رحیم عفیفی

سرنوشت روانهای نیکوکار و بدکار

از سرنوشت روانها پس‌از مرگ در نوشته‌های دینیِ ایران‌باستان سخن بسیار رفته و چنین دانسته میشود که‌جایگاه هریك‌ازآنان درجهانِ دیگر روشن و مشخص‌است.

ارداویراف پرهیزگار در بازدیدی که از بهشت و دوزخ میکند، روانهای گوناگونی را می‌بیند که بسته بکارهای نیك یا بدی که دراینجهان کرده‌اند، در آنجهان پاداش و پادافراه خودرا دریافت میدارند. درتقسیم بندی طبقاتِ بهشت چهار طبقه بچشم میخورد، که روانهای نیکوکار به فراخورِ کار نیکی که انجام داده‌اند در یکی ازین طبقات جایگزین میشوند ودر رده‌بندیِ طبقاتِ دوزخ نیز چهار رده وجود دارد که روانهای بدکار بسته بکارهای زشتی که ازآنها سرزده دراین رده‌ها قرار میگیرند.

در متن زیر، زردشت از اورمزد، از سرنوشتِ روانها درجهان‌دیگر پرسش میکند و اورمزد شمه‌ای دربارهٔ جایگاه آنها و پذیرائی که تاهنگامِ تن‌پسین ازآنان بعمل میآید سخن میراند. این متن از کتاب روایات‌پهلوی یا داتستان دینی که بزبان پهلوی و خط آم‌دبیره‌است و ارواد بامانجی ناسروانجی دهابهار آنرا با چند نسخه مقابله نموده ودرسال ۱۹۱۳میلادی بچاپ رسانیده گرفته شده و اینك نگارنده آنرا بفارسی برگردانیده‌است واژه‌هایی که نیازبشرح داشته در زیرنویس شرح آنها آمده و نیزواژهایی که در [ ] آمده برای روشن‌شدنِ مطلب افزوده شده‌است.

* * *

۱ــ زردشت گفت که دادار هروسپ[۱] آگاهی و همه‌چیز دان [چون] اهروبان[۲] ازگیتی درگذرند روان ایشان بکجا رسد .

۲ــ اورمزد گفت که سه‌شب[۳] آنجا که چون جان بشود ، برسرش ایستد ، [روان] اهروبان آنجا نشیند . بستر سپید دارد . این سان گوید: که نیکم چون من کاروکرفه[٤] کرده‌ام ، اورمزدرا خویشم بکامه[٥]خود، [پس] نیکی باو کنند .

۳ــ اورا شب اول آن اندازه نیکی بنمایند همچون مردی که زنده بود و اورا اندر جهان نیکتر بود .

٤ــ شب دوم و سوم نیز اورا همچنان بود .

٥ــ شب سوم نیز چنان بنظر رسد[٦] که گیاهی همچون همه گیاه که اندرگیتی خوب‌بوی‌تراست بآنجا آورده‌اند ، و اندرآن سپرم خوشبوی [روان] نشیند، گوید که این‌بوئی که چنین خوشبو وچنین خوش[است‌و] باد به‌بینی من آورد هرگز به‌گیتی خوشبوتر ازین من ندیده‌ام[۷] .

٦ــ اورمزد گوید* که آن باد و بوی از بهشت آید .

۷ــ چون روان اندرآن باد بنگرد کنیزکی بیند که همه‌تن و رفتاراو

۱ــ هروسپ : همه	۲ــ اهروبان : پاکان ، نیکوکاران ، مقدسین .

۳ــ مقصود سه‌شب اول پس‌از مرگست که در اصطلاح مزدیسنی «ستوش» گفته میشود.

٤ــ کرفه : کار نیك ، ثواب	٥ــ کامه : میل ، خواست .

٦ــ واژه‌ای که درمتن آمده سهیت ازمصدر سهستن، بمعنی بنظررسیدن، قابل توجه بودن... میباشد .

۷ــ نك : ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی از نگارنده ص ۲۸ .

* ــ درمتن بصورت «گفت» آمده .

روشن و بایسته‌تر و بدن او چنان زیبا که هرگز از دام اورمزد تنی زیباتر از او [نه]دیده[است] .

۸ــ ازاو پرسید که : کنیز خود که‌هستی ؟

۹ــ کنیز گوید که جوان نیک‌اندیش نیک‌گفتار نیک‌کردار من خــود کنش ِ توام .

۱۰ــ و روان گوید که ازکرد ِ[8] چه‌کسی تو چنین مه و نیک وپیروزگر وزیبا و بیرنج چنین بنظرمیرسی.

۱۱ــ کنیزك گوید که از کرد تو من چنین‌هستم همچنانکه تو بنظــر رسیدی .

۱۲ــ تو اگر کسی‌را دیدی که دیوپرستی کرد و کامه دوستان نگزید ودربست و چیز نه‌بخشید تونشستی و یزش* [یزدان]کردی و مرد اهروب را چیز دادی که از نزدیك یا ازدور آمد ، چون من زیبــا بودم تو زیباترم کردی ، بایسته بودم ، تو بایسته‌ترم کردی ، به‌کار وکرفه‌ای که تو کردی تا تن‌پسین مردمان اندرگیتی یزش اورمزد کنند و من امروز زیباتر باشم .

۱۳ــ روان ، نخست گام فرازنهاد آن‌جای که ستاره به‌اندیشه‌نیک نهاد[9] گام دوم آنجای که ماه به‌گفتار نیك نهاد گام سوم آنجای که‌خورشید به‌کردار نیك نهاد . و چهارم‌گام اندر گرزمان[10] روشن بنهاد .

۱٤ــ و روان اهروبان که از گیتی بشده‌اند اندر گــرزمانند و اورا [یا] بوی خوش به‌پذیره آیند وگویند که درست آمــدی و خوش‌آمدی از

۸ــ کَرد : عمل ، کار . *ــ یزش : ستایش ، عبادت

۹ــ نك: ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی از نگارنده ص ۳۲ و ۳۳ .

۱۰ــ گرزمان : خانه فر ایزدی ، طبقهٔ چهارم بهشت .

گیتی اناکمند[۱۱] پتیاره‌مند باینجای بی اناکی بی‌پتیاره و درنگ و زمان تو خوب باشد .

۱۵ـ اورمزد گوید که ازاو سخن مپرسید چون مهر و دشارم[۱۲] تن دارد و از تن بیآید و برای او دشواربـُـود ، اورا خورش دهید .

۱۶ـ روان گوید که خورش، نخست‌کدام دهم .

۱۷ـ اورمزد گوید که پیم[۱۳] اسب ومزگ[۱۴]، روغن و می شیرین و یا روغن میتوك زرم‌کرده‌است[۱۵]، دهید نخست [اورا] دهید روغن میتوك زرم، چه روان اهروبان چون ازگیتی بشوند ایشان را تا تن‌پسین خـورش این‌هست .

۱۸ـ زردشت این نیز پرسید از اورمزد که چون آن دروند[۱۶] بمیرد روان بکجا دوارد[۱۷] .

۱۹ـ اورمزد گفت که سه‌روز شبان آنجای که جان بشد سردست نشنیدوبستر[او]گرده و پوده[۱۸] [و]به‌گندآلوده‌است واونهفته بـودواین‌نیز گوید : که من بدبودم، کار و کرفه نه‌کردم اهرمن[را] خویشم و به‌کـدام زمین شوم و که‌خواهم و که این اناکی ازمن بازدارد .

۲۰ـ باو شب نخست آن اندازه اناکی بنمایند ، همچون مـردی‌که

۱۱ـ اناکمند : با رنج و درد.پتیاره‌مند : با آفت و پلیدی .

۱۲ـ دشارم : علاقه ، محبت ، عشق ۱۳ـ پیم : چربی ، پیـه .

۱٤ـ مزگ : مغز .

۱۵ـ میتوك رزم کرده‌است : روغن‌هائی که در بهار درست شده، در هادخت نسك آمده «روغن زرمیه خورش جوانمرد نیك پس از مرگست . »

۱٦ـ دروَند : بدکار .

۱۷ـ دوارد یا دوبارد ازمصدر دواریدن یا دوباریدن : رفتن دویدن ، برای موجودات اهریمنی . ۱۸ـ پوده : پوسیده .

تا زنده بود درجهان بدتر باشد.

۲۱ـ وشب دوم و سوم نیز اورا همچنان باشد.

۲۲ـ شب سوم نیز گیاه چنان بنظر رسد همچون که انـدر تگرگ و گند[است و] بجهان بآنجای آورده وقرار داده‌اند چون آن گند به‌بینی‌اش پتکفت[19] گوید که باد باین‌گندی وچنان شگفت ازکجا آید که من هرگـز به‌گیتی گند همچون این به‌بینی نه‌پتکفت.

۲۳ـ وآن باد گند ازدوزخ[است] وآهرمن چون نگرید، اندرآن باد از کنش خویش دید. و هرگـز از خستران[۲۰] و دامـانِ اهرمن زشت‌تر وریمن‌تر ازان ندید.

۲٤ـ پرسید که تو خود که‌هستی؟

۲۵ـ وکنش گوید جوان بداندیش، بدگفتار ، بدکـردار (من) دین ، کنش توام.

۲٦ـ و دروند گوید که از کَردِ تو چنین بـد ، بزهگین ، ریمن ، و گنده و پوده و ناپیروزگـر وبارنجم، همچون که من بنظر میرسم.

۲۷ـ کنش گوید کـه از کردهٔ تو چنین هستم همچون که تو بنظـر میرسی*. چون تو اورا دیدی که یزش[۲۱] کرد وبمرد اهروب چیز دادی تو دَر به‌بستی و دوستان آزردی و چیز ندادی و بدبودم تو بدترم بکردی ، زشت بودم تو زشت‌ترم بکردی. به‌گناه که توکردی و تاتن‌پسین که اهریمن نابوذ شود و بدوزخ دوبارد ترا روز از روزبد تر باشد.

۲۸ـ و دروند گوید که چون مرا سربه‌بُرند یا مرا به‌تیر بدرند [یا] بکشند یامرا ... بکنند یا مرا با کارد ببـرند مرا خوب بنظر رسد چون کـه

۱۹ـ پتکفت : ازمصدر پتکفتن بمعنی فرودآمدن.

۲۰ـ خستران : جانوران گزنده ۲۱ـ یزش : عبادت ، ستایش.

این راه که از دزد[ی] بگزیده‌است هم به‌دوزخ بایدشدن و کامه‌مندانه[۲۲] نشود.

۲۹ــ اورا یزش‌دیو[۲۳]، بند به‌گردن افکند و کنش، خود سهمگینانه پیش‌ایستد و [از] بیم کنش خود پیش یزش دیو چنین گوید که همچون اسب تاخت است اندر اسپریس[۲۴] که از بیم تازانه دوان شود، آن نیز بدوزخ چنان دوان شود.

۳۰ــ رَوِش، نخست گام بنهاد به‌اندیشه بد، دوم گام به‌نهاد به گفتار بد و سوم گام به‌نهاد به‌کردار بد و چهارم گام بدوزخ تاریکی به‌نهاد.

۳۱ــ و دُروَندی که پیش از او ازگیتی دوباریده[۱۷] است اورا با گندی به‌پذیره دوبارد.

۳۲ــ و اورا گوید که تو بد بودی و بدآمدی ازآن گیتی اناکمند، مرگمند باینجای آمدی که تورا آن اناکی اندراین اناکی خوار بود. *

۳۳ــ اهریمن دراید[۲۵] که دُروَند به‌گریسنك[۲۶] من چرا آمدی چون اینجا جز درد و دشخواری و اناکی که ترا بآن کنند، دیگر چیزی نیست و ترا همه اناکی چنین‌است.

۳۴ــ به‌روان دُروَندان گویند که پرسش از او مکنید واورا خورش ارزانی[۲۷] دهید.

۲۲ــ کامه‌مندانه : مطابق دلخواه ومیل.

۲۳ــ یزش دیو صورت دیگر واژه و یزارش دیواست و آن نام دیوی‌است که پس از مرگ با روان مخالفت میکند و اورا بدوزخ میکشاند.

۲۴ــ اسپریس : میدان.

* مقصود اینست‌که رنج و درد آن دنیا درمقابل دردورنج این دنیا هیچ‌است.

۲۵ــ درآید : از مصدر درانیدن بمعنی گفتن برای موجودات اهریمنی.

۲۶ــ گریسنك : لانه، سوراخ (آهریمنی). ۲۷ــ ارزانی : درخور، شایسته.

۳۵– و دروندان گویند بهتراست که اورا گندی دهیم که تازه ریده است [ویا] آن گندی اورا دهیم که تازه نه‌ریده‌است ؟

۳٦– اهریمن گوید که اورا گند تازه دهید چه روان ُدروندان را تا تن‌پسین خورش این[است] .

متن پهلوی

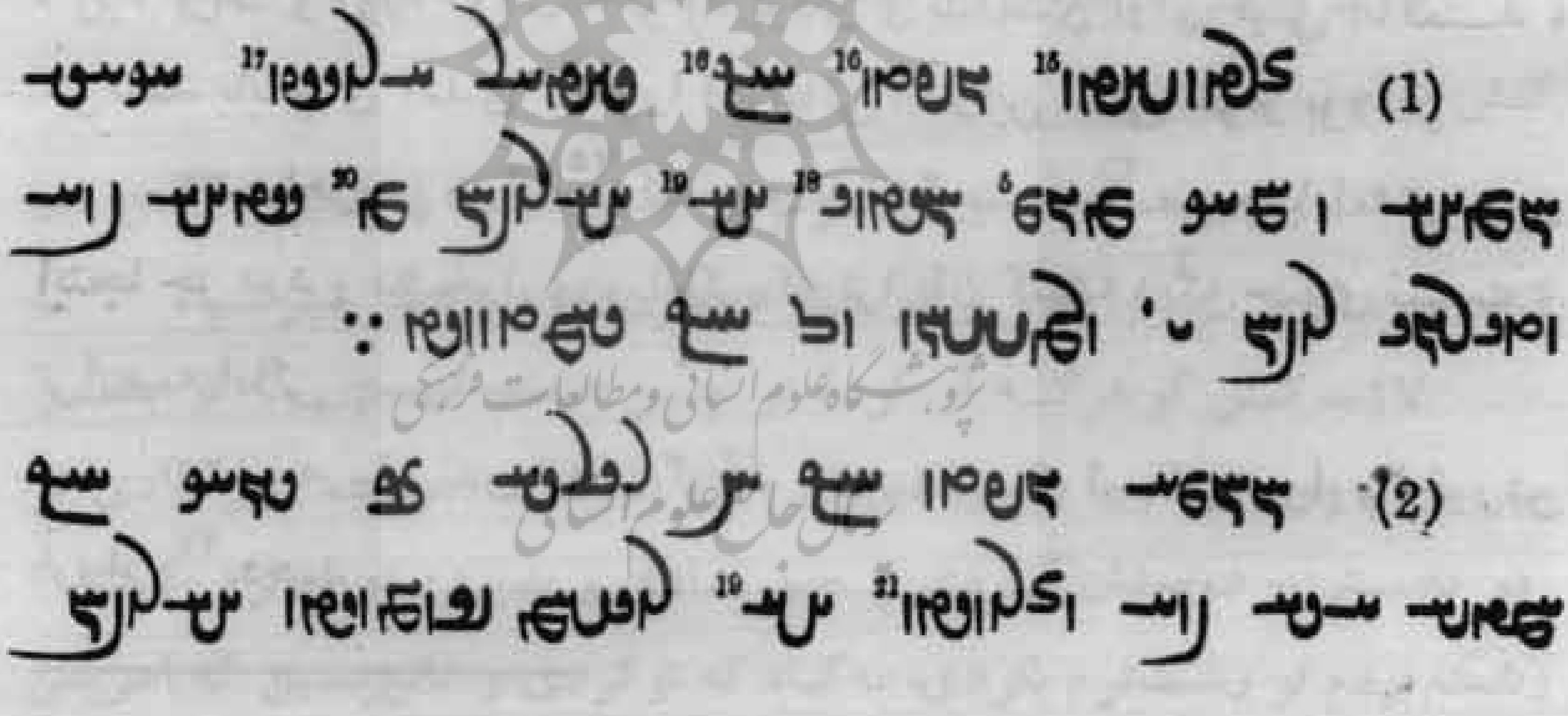

(15) MR₁, J [illegible] . (16) BK om. (17) Thus J ; BK [illegible] ; MR₁ [illegible] . (18) MR₁, J [illegible] : better read [illegible] with the following [illegible] . (19) MR₁, J [illegible] . (20) MR₁, J [illegible] . (21) MR₁ [illegible] .

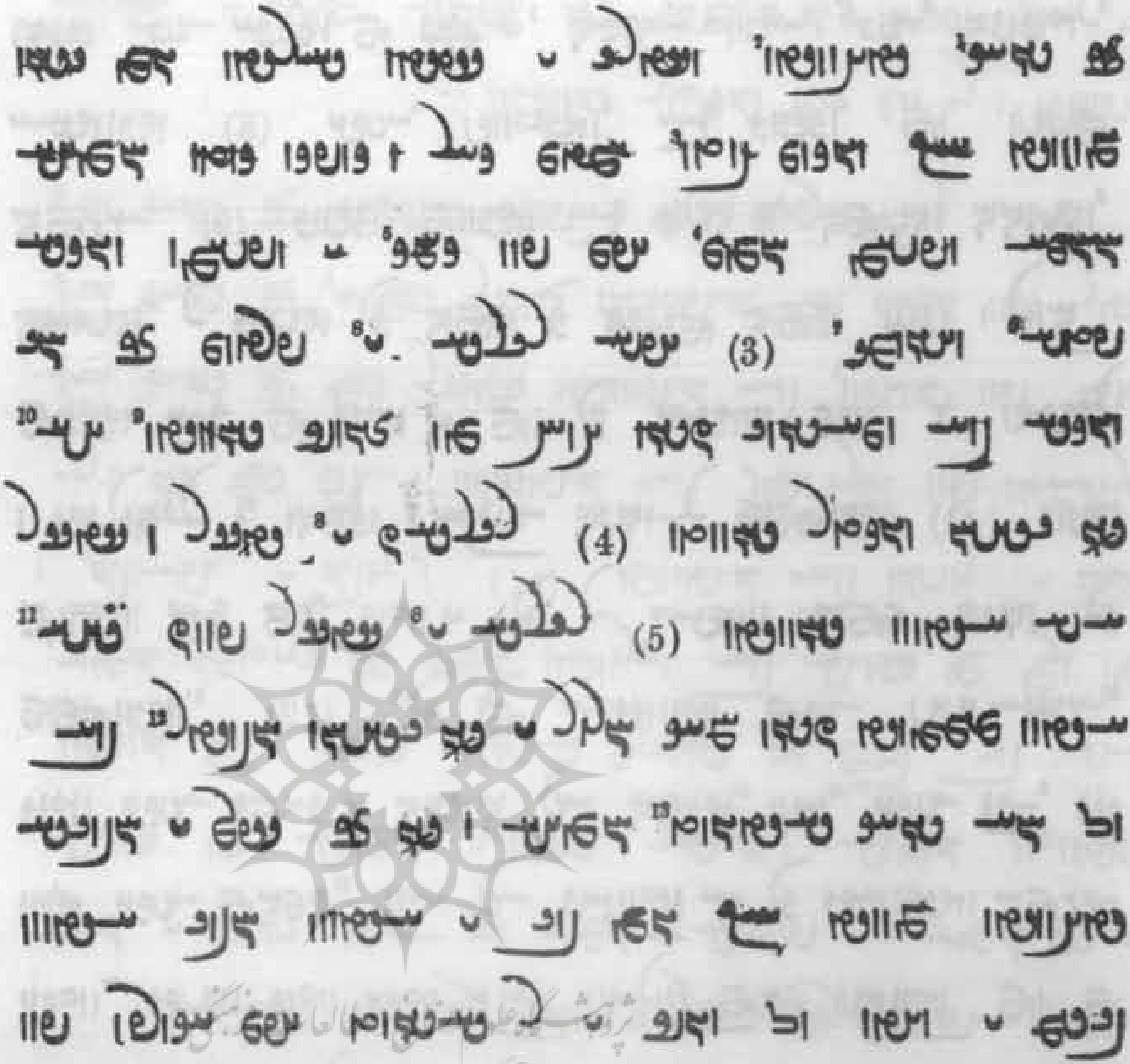

(1) BK repeats the last 11 words. (2) MR_1, J add [illegible]. (3) MR_1 adds [illegible]. (4) The last 8 words are omitted in MR_1; they are written in J on the margin. (5) MR_1, J [illegible]. (6) BK repeats. (7) MR_1, J [illegible]. (8) MR_1, J om. (9) MR_1, J [illegible]. (10) MR_1, J [illegible]. (11) MR_1 [illegible] for the last 2 words. (12) Thus MR_1, J; BK [illegible]. (13) MR_1, J [illegible]. (14) MR_1, J [illegible]. (15) MR_1 [illegible]. (16) MR_1, J [illegible]. (17) MR_1, J [illegible].

[illegible]

[illegible] (8) [illegible]

[illegible] (9) [illegible]

[illegible] (10) [illegible]

[illegible]

[illegible] (11) [illegible]

[illegible]

[illegible] (12) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(1) MR_1, J om. (2) MR_1, J [illegible]. (3) MR_1, J [illegible]. (4) BK adds [illegible]. (5) MR_1 [illegible] [illegible]. (6) MR_1, J [illegible]. (7) Thus J; BK, MR_1 [illegible]. (8) MR_1, J add [illegible]. (9) BK om. (10) Thus all, for [illegible]. (11) MR_1 omits § 11. It is written in J on the margin. (12) MR_1, J prefix [illegible]. (13) MR_1, J [illegible]. (14) MR_1 [illegible]. (15) MR_1 om. (16) MR_1 [illegible]. (17) MR_1 [illegible]. (18) MR_1, J [illegible]. (19) Thus MR_1; BK, J [illegible].

[illegible]
[illegible]

(13) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (14) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

(15) [illegible]
[illegible]
[illegible]

(16 [illegible]

---

(1) MR_1, J add [illegible] . (2) MR_1, J om. (3) MR_1, J [illegible] . (4) Thus MR
BK, J [illegible] . (5) MR_1 [illegible] for [illegible] . (6) All add [illegible] . (7) MR_1, J [illegible]
(8) MR_1, J [illegible]. (9) MR_1 adds [illegible]. (10) Thus MR_1, J ; BK [illegible] . (11) Thu
MR_1, J ; BK [illegible]. (12) MR_1, J add [illegible] . (13) MR_1, J [illegible] . (14) MR
J [illegible] . (15) Thus MR_1, J; BK [illegible] .

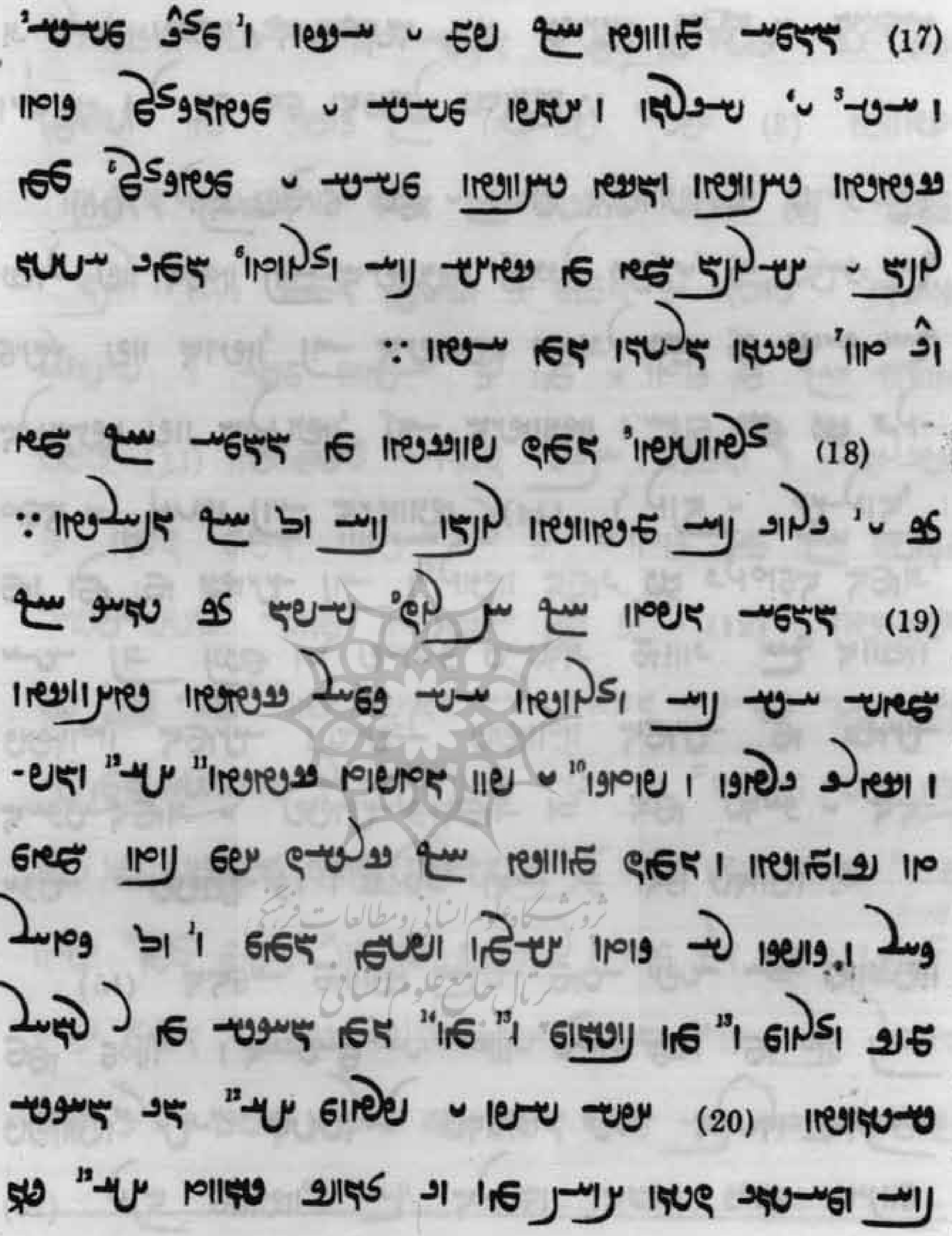

(1) MR$_1$, J om. (2) Huz. Syn. of [Pahlavi] (P. روغن). (3) Thus MR$_1$, J; BK [Pahlavi]. (4) MR$_1$, J [Pahlavi] for [Pahlavi]. (5) MR$_1$, J [Pahlavi]. (6) BK [Pahlavi]. (7) MR$_1$, J add [Pahlavi]. (8) MR$_1$, J [Pahlavi]. (9) MR$_1$, J [Pahlavi] and add [Pahlavi]. (10) Thus MR$_1$, J ; BK [Pahlavi]. (11) Thus MR$_1$, J ; BK [Pahlavi]. (12) MR$_1$, J [Pahlavi]. (13) BK om. (14) BK [Pahlavi].

[illegible] (21) [illegible]
[illegible] (22) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (23) [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (24) [illegible]
[illegible] (25) [illegible]
[illegible]
[illegible] (26) [illegible]
[illegible]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(1) MR₁, J [illegible]. (2) J [illegible] and MR₁ [illegible] for [illegible]. (3) P. [illegible] hail : MR₁, J [illegible]. (4) MR₁, J [illegible]. (5) MR₁, J [illegible] (6) MR₁ [illegible]. (7) MR₁, J [illegible]. (8) MR₁, J [illegible] for [illegible]. (9) MR₁, J om. (10) MR₁ [illegible]. (11) MR₁, J [illegible]. (12) MR₁ [illegible]. (13) MR₁, J [illegible] (14) Thus MR₁; BK, J [illegible]; MR₁, J add [illegible]. (15) MR₁ om; J adds [illegible]. (16) MR₁, J om : Add [illegible] which all omit.

[illegible] (27) [illegible]

[illegible] (28) [illegible]

[illegible] (29) [illegible]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(1) Thus MR_1, J; BK [illegible]. (2) MR_1, J [illegible]. (3) MR_1, J [illegible]. (4) BK om. (5) MR_1, J [illegible]. (6) MR_1, J add [illegible]. (7) The last 4 words are omitted in MR_1; J adds these words on the margin. (8) MR_1, J om. (9) MR_1 [illegible] for [illegible]. (10) Thus all, for [illegible]. (11) MR_1 [illegible]. (12) MR_1, J [illegible]. (13) MR_1, J [illegible]. (14) MR_1, J [illegible]. (15) MR_1, J add [illegible]. (16) MR_1 om. (17) Thus all, for [illegible]. (18) MR_1, J [illegible]. (19) MR_1, J [illegible]

[illegible]
[illegible] (30) [illegible]
[illegible] (31) [illegible]
[illegible] (32) [illegible]
[illegible] (33) [illegible]
[illegible]

(1) Thus MR_1, J; BK [illegible] : better [illegible]. (2) All [illegible] f… [illegible]. (3) MR_1, J add [illegible]. (4) MR_1, J om. (5) MR_1, J add [illegible]. (6) Thus all, f… [illegible] (7) MR_1 [illegible] (8) MR_1 [illegible]. (9) J adds [illegible]. (10) Thus MR… J; BK [illegible]. (11) Thus MR_1, J; BK [illegible]. (12) MR_1, J [illegible] (13) The last 7 words are written on the margin in J. (14) MR_1, … [illegible]. (15) MR_1 [illegible]. (16) MR_1, J [illegible]. (17) Thus MR_1, J; B… [illegible]. (18) MR_1, J [illegible]. (19) MR_1, J add [illegible]. (20) MR_1 J [illegible]

[illegible] (34) [illegible]
[illegible]
(35) [illegible]
[illegible]
[illegible] (36) [illegible]
[illegible]
[illegible] ::

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی